

امتحانات متمرکز تکمیلی نیمسال اول ۹۹-۱۳۹۸

رشته فلسفه ۹۷

مهر مدرسه

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرسه علیه: شهرستان: استان:

۱- کدام مطلب در اثبات قاعده الواحد «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» مستقیماً استفاده می‌شود؟ ج ۳ ص ۶۴۱ س ۳ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۰-۹۱ و شهریور ۹۲-۹۱) (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۶-۹۵)

۰/۵

- الف. سنخیت ذاتی بین علت و معلول ☒
- ب. اصالت وجود و اعتباریت ماهیت ☐
- ج. وحدت وجود و کثرت موجود ☐
- د. تقدم وجودی علت بر معلول ☐

۲- کدام فاعل قبل از انجام فعل، فاقد علم تفصیلی به فعل است؟ ج ۳ ص ۶۶۶ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۴-۹۳) (آزمون ورودی سطح چهار سال تحصیلی ۹۷-۹۶)

۰/۵

- الف. قصدی ☐
- ب. بالتجلی ☐
- ج. بالرضا ☒
- د. عنایی ☐

۳- نسبت «زمان» به «حرکت» از قبیل کدام نسبت است؟ ج ۳ ص ۸۳۹

۰/۵

- الف. جسم طبیعی به تعلیمی ☐
- ب. معین به مبهم ☒
- ج. جنس به فصل ☐
- د. کلی به جزئی ☐

۴- تقابل میان «حرکت و سکون» چه تقابلی است؟ ج ۳ ص ۸۵۶ س ۲ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۱-۹۰) (امتحانات نیمسال اول ۹۳-۹۲) (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۶-۹۵)

۰/۵

- الف. عدم و ملکه ☒
- ب. تضایف ☐
- ج. تناقض ☐
- د. تضاد ☐

۵- استدلالی بر «اصل علیت» تقریر کرده، چرا «ماهیت» مجعول علت نیست؟ ج ۳ ص ۶۰۱ و ۶۰۴ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۴-۹۳) (آزمون مدارج علمی آبان ۹۴)

۲

جواب: ماهیت در حد ذاتش نه موجود است و نه معدوم. پس متساوی‌النسبه است به وجود و عدم و اگر بخواهد موجود شود نیازمند رجحان یک طرف است که این رجحان سه احتمال دارد: ۱. بدون مرجع حاصل شود نه از جانب خودش و نه از جانب غیر که ترجیح بلا مرجع است و محال. ۲. خودش مرجع باشد نمی‌شود زیرا موجود نیست تا مرجع باشد. ۳. مرجع خارجی آن را موجود کند که همان علت است و این احتمال متعین است. (۱/۵ نمره) ماهیت مجعول نیست، زیرا اولاً ماهیت امری اعتباری است در حالی که آنچه معلول از علت خویش دریافت می‌کند امری اصیل است. افزون بر این که علیت یک رابطه عینی خاص میان علت و معلول است و ماهیت از آن جهت که در مرتبه ذات لیست الهی (هیچ‌گونه تحقق ندارد)، نمی‌تواند با علت رابطه برقرار کند. [نوشتن یک دلیل کفایت می‌کند] (۰/۵ نمره)

۶- با توجه به عبارت «لا مؤثر فی الوجود الا الله سبحانه»؛ فاعلیت دیگر فواعل (بنابر حکمت متعالیه و مشاء) چگونه توجیه می‌شود؟

۲	
---	--

ج ۳ ص ۶۸۰ به بعد (مرحله ۸ فصل ۸) (امتحانات تکمیلی شهریور ۸۹-۸۸ و شهریور ۹۲-۹۱)

جواب: ۱. بنا بر حکمت متعالیه تنها خداوند متعال مستقل در علت و ایجاد می‌باشد و بقیه علتها استقلال نسبی (نسبت به معلول خودشان) دارند پس علل فاعلی ماسوای حق تعالی همگی معذات هستند.

۲. بنا بر مشاء: (که هر کدام از علت و معلول را مستقل لحاظ می‌کنند) سر سلسله تمامی علل حق تعالی است و بقیه علل نسبت به او فاعل مسخر هستند.

۷- مراد متکلمین از عبارت «ان افعال الله لا تعلل بالاغراض» را به همراه دلیل آن‌ها ذکر کنید و سپس نقد مرحوم علامه بر آن را بنویسید.

۲	
---	--

ج ۳ ص ۷۱۴ و ۷۱۵ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۶-۹۵)

جواب: مراد متکلمین این است که خداوند غایتی در افعالش ندارد زیرا او غنی بالذات است و اگر افعالش هدف و غایتی داشته باشد محتاج می‌شود. رد کلام ایشان: فعل فاعل می‌تواند خودش خیر بوده و مطلوب بالذات باشد و وجود غایت برای فعل مستلزم این نیست که فاعل محتاج به غایت باشد زیرا می‌شود که فعل و غایت متحد باشد یعنی فعل عین غایت است. مثل فعل فاعل‌های مجرد تام.

۸- تعریف ارسطو (معلم اول) از حرکت را با ذکر مثال توضیح دهید. ج ۳ ص ۷۷۴ س ۲ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۱-۹۰) (آزمون مدارج علمی

۲	
---	--

مرحله دوم ۹۱) (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۶-۹۵)

جواب: ارسطو حرکت را چنین تعریف کرده است: حرکت کمال اولی است برای چیزی که بالقوه است از آن جهت که بالقوه است (کمال اول لما بالقوه من حیث انه بالقوه). این تعریف را در قالب مثال زیر می‌توان توضیح داد: اگر سنگی را در نظر بگیریم که می‌تواند در مکان جدیدی مانند الف قرار بگیرد دو امر برای آن ممکن خواهد بود، یکی تمکن و قرار گرفتن در نقطه الف و دیگری سیر به سوی آن. سیر، کمال اول است زیرا جنبه مقدماتی دارد و تمکن، کمال ثانی است چون مطلوب حقیقی است هرگاه سنگ سیر خود را آغاز کند برای آن کمالی تحقق یافته است ولی نه به صورت مطلق بلکه از آن جهت که هنوز نسبت به کمال ثانی‌اش یعنی تمکن بالقوه است.

۹- علت نپذیرفتن حرکت جوهری توسط قدما فلاسفه را به همراه جواب اجمالی آن بنویسید. ج ۳ ص ۸۰۱ و ۸۰۲

۲	
---	--

جواب: علت نپذیرفتن: چون لازمه آن این است که حرکت بدون موضوعی که در طول حرکت ثابت و برقرار باشد، تحقق یابد. یعنی حرکت بدون متحرک و این محال است. (۱ نمره) جواب: حرکت جوهری موضوع دارد و آن ماده است. (۱ نمره)

۱۰- از نظر مرحوم علامه (ه) اعراض از مراتب وجود جواهرند، ضمن بیان دلیل آن، توضیح دهید که چگونه از این طریق، حرکت جوهری اثبات می‌شود؟ ج ۳ ص ۸۰۸ س ۶ (امتحانات تکمیلی نیمسال دوم ۹۰-۸۹)

۲	
---	--

جواب: یکی از براهین حرکت جوهری استفاده از این حقیقت است که: اعراض از مراتب وجود جوهر بشمار می‌روند. دلیل این مطلب این است که: وجود فی نفسه اعراض عین وجود لغیره آن اعراض برای موضوعاتشان است. بنابراین اعراض نمی‌توانند وجود مستقلی از موضوع خود داشته باشند یعنی وجودشان از مراتب وجود موضوعشان است. بنابراین اگر حرکت در اعراض را قبول کنیم باید حرکت و تغییر در جواهری که موضوع آنها هستند را نیز قبول کنیم. پس حرکت‌های عرضی دلیلی بر حرکت جوهری است.